

معرفی و تحلیل هنر بیزانس^۱

علیرضا نوروزی طلب
دکتری مطالعات عالی هنر، دانشگاه تهران

چکیده

هنر بیزانس متعلق به عالم مسیحیت است. عالم مسیحی دارای خصوصیتی است که در تمامی آثار هنری این دوران منعکس می شود. هر نوع تفسیر و نقد و بررسی آثار هنری این عصر بر اساس شناخت عالمی که به آن تعلق دارد، میسر است. مرکز عالم مسیحیت کتاب مقدس و کلام الهی است. ظهور مسیح (ع) مبدأ ظهور عالم مسیحیت است. کلمه الهی تمامیت عالمی را آشکار کرده است که متعلق به رحمت و جلال و شکوه و نور و جمال الهی است. هنر بیزانس مبتنی بر درکی عمیق از عالم مسیحیت است. حضور امر مقدس در تصویر و تفسیر تصویر، برای رجوع به امر مقدس، درون مایه هنر بیزانس است. البته فرهنگ و هنر مسیحی سال ها پس از ظهور پیامبر و اشاعه پنهانی مسیحیت شکل گرفته و معماری و تزیینات آن بر پایه معابد میترایی بوده است و نشانه های فرهنگ پیش از مسیحیت در آثار نقاشی و نقش برجسته نیز مشهود است.

واژگان کلیدی

بیزانس، هنر دینی، نور، زیبایی شناسی، نماد میترایی.

مقدمه

هر اثر هنری را باید بر اساس ارزش‌های درون‌متنی آن مورد تحلیل و بررسی قرار داد، در غیر این صورت (یعنی تکیه بر ارزش‌های خارج از اثر هنری) درک، تفسیر و تحلیل اثر، مختل شده و هنری فاخر و ارزشمند به صورت هنری منحط جلوه خواهد کرد. به طور کلی، فهم و تفسیر آثار هنری دو گونه است: ساختاری و تاریخی.

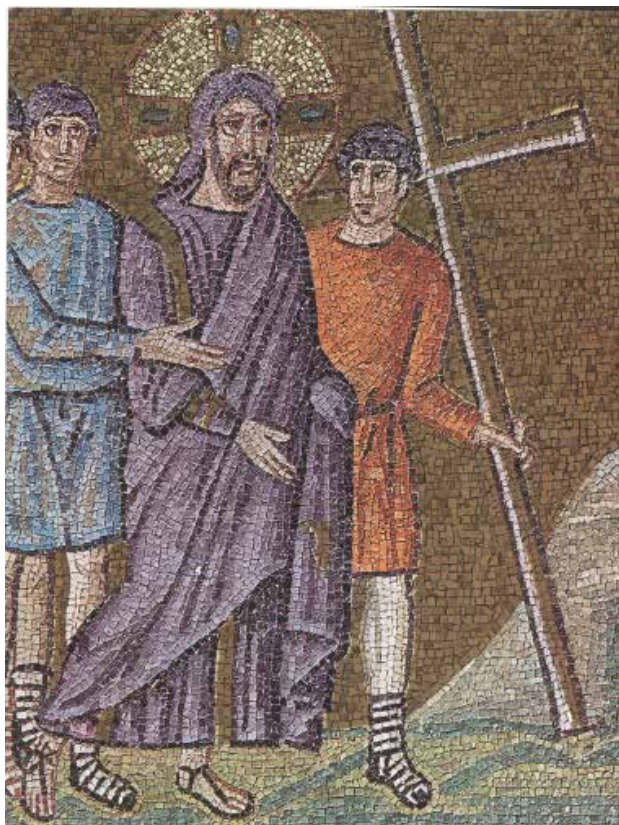
در روش تفسیر ساختاری، متن یا اثر هنری و روابط درونی آن اصالت دارد. همه چیز در درون اثر شکل می‌گیرد و سبک و روش بیان، مفسر را به زیباشناسی اثر و دلالت معنایی «راهنمایی می‌کند. روش تحلیل ساختاری، روش هم‌زمانی Synchronic است. در روش تفسیر تاریخی، موقعیت‌هایی اجتماعی و تاریخی که اثر در آنها شکل گرفته است، ملاک تفسیر و تحلیل اثر هنری است. روش تحلیل تاریخی، روش در زمانی diachronic است.

هنر بیزانسی اصطلاحی است که به عقیده هربرت رید (Her- read bet)، هرگز درست تعریف نشده است. عصر بیزانس از مهم‌ترین دوره‌های تاریخی است و به همین جهت این هنر را همان هنر قرون وسطا می‌شناسند. هنر بیزانسی، تمامیت عالمی را آشکار کرده است که متعلق به جبروت و سلطنت الهی است. معیارهای هنر کلاسیک متعلق به چنین عالمی نیست. زیرا حس خودپرستی و غرایز و احوالات شخصی با این هنر بیگانه است. این چنین حالاتی از عالم هنر دینی، همواره طرد شده است.

یازده قرن تاریخ هنر بیزانسی و تأثیرات این هنر در روسیه و یونان، حاکی از توانمندی و ریشه‌دار بودن این هنر است که می‌توان متعالی‌ترین نمونه آثار این دوره را از لحاظ کمال نمادگرایی در رنگ و ساختار تصویری و بلوغ هنری و استادی در پرداخت تصاویر، از قرن هفتم تا قرن دوازدهم مشاهده کرد.

آغاز سخن

هنر بیزانسی هم در ابتدای پرورده شدن خود در خاور نزدیک و هم در گسترش تدریجی‌اش در منطقه مدیترانه، گام به گام، با کلیسا همراه بوده است. اینکه کلیسا چگونه و از چه زمانی به وجود آمده بنا بر شواهد موجود تاریخی و آثار معماری بر جای مانده، بر بقایای معابد رومی شکل گرفته است؛ اولین کلیساها به قرون ۴ و ۵ میلادی باز می‌گردد و پیش از آن عبادت و ترویج آیین مسیح مخفیانه و در معابد و مقابر زیر زمینی برقرار بوده است. میتراپیسم که آیین رایج در سراسر امپراطوری روم و دین رسمی دربار بوده، نیایشگاه‌های بسیاری داشته که مطابق باورهای دینی مبنی بر نیایش‌های سری و مکان‌های تاریک و غارمانند بوده است. از این رو کلیساهای اولیه همان معابد مهری بوده‌اند و به تدریج الگویی برای ساخت اولین بازیلیک‌ها به شکل مستطیل و بعداً چلیپایی شکل بوده است، تزیینات کلیسایی نیز به جهت شکل، رنگ و ترکیب بندی برگرفته از معابد پیشین بود. "جنسن" اشاراتی به تاثیر پذیری بازیلیک‌ها از معابد شرک دارد. (جنسن، ۱۳۵۹: ۱۶۹، ۱۶۸) ظهور امر متعالی در قالب تصویر، روش بیان تصویری معانی را از طبیعت پردازی صرف و تکیه محض بر عینیت‌گرایی، دور و خصلتی نمادین را در شیوه‌های تجسم هنری، ظاهر می‌کند. هنر دینی، جنبه‌ای از هنر مقدس را که در برگزیده کل حرکت کیهانی و ضرباهنگ نظم کائنات است، آشکار می‌سازد (تصویر ۱).



تصویر ۱. تصویر عیسی مسیح (ع) تجسم شکوه و جلال و جبروت و جمال الهی در هنر بیزانس. ماخذ: Bovini, 2006: 57

صورت بیانی و تجسم چنین معنایی را با رجوع به متنی که

از ظهور مسیح است که تا قرن ۴ میلادی نیز به قوت در امپراطوری رم وجود داشت. معماری و هنر اوایل مسیحیت بر پایه تفکر میتراپی شکل گرفت (جوادی، ۱۳۹۳) (تصویر ۲).

هنر سمبولیک در جستجوی کمال مطلوب است و به عبارتی به کمال مطلوب دلالت دارد و می‌کوشد نامتناهی را تجسم بخشد. برای تحقق چنین مقصودی، هنرمند، از بیان نمادین و علائم و نشانه‌هایی که به نامحدود دلالت دارد، بهره می‌گیرد. در اینجا قالب بیان هنری، واسطه‌ای است که مخاطب را به درک معنوی از حقیقتی متعالی و ماورائی راهنمایی می‌کند و به همین جهت ساختار تجسمی چنین هنری از پرداخت‌های پرزحمت و دقیق‌نمایی و پالایش فرم‌های بیان، همچون آثار استادان کلاسیک باستان، اجتناب می‌ورزد و نمایی بدوی (Primi-tive) پیدا می‌کند. در کتاب "فلسفه هگل" می‌خوانیم: هنر نمادین (Symbolic) بر اساس نوع رابطه کالبد مادی یا صورت محسوس با محتوای روحی یا معنی اثر شکل می‌گیرد. هگل، زیبایی را درخشش مطلق از خلال واسطه حسی می‌داند. امبرتو اکو (Umberto Eco) فیلسوف و نظریه پرداز ایتالیایی (متولد ۱۹۳۲) در مورد اصول زیبایی‌شناسی و هنر قرون وسطی نوشته است: دورانی که از آن سخن می‌گوییم، در طول تاریخ به عنوان دوران تاریکی و ظلمت و تضادهای گوناگون معروف شده است؛ اما فیلسوفان و روحانیان آن دوران، تصویری از عالم هستی در ذهن و اندیشه خود داشتند که سرشار از نور و خوش بینی بود.

ویژگی عشق قرون وسطاییان به نور و رنگ، ماهیتی آنی و بسیار ساده و بی‌آلایش داشت. هنر تصویری آن دوران، آگاهی و التفات متفاوتی از رنگ‌ها، با قرون پیشین را آشکار می‌ساخت. هنر این دوران، خود را به رنگ‌هایی ساده و اولیه که از ماهیتی تعیین کننده، بسیار مشخص و برگشت‌ناپذیر برخوردار بود و درست در نقطه مخالف با Sufumature (حالتی مبهم، پوشیده در ابری از ابهام) قرار داشت، محدود ساخت.

رنگ‌های اصلی و رایج در هنر این دوران که در لباس‌های حضرت مریم و عیسی و قدیسین دیده می‌شود، همان رنگ‌های سرخ، لاجوردی، آبی، سفید و گاه سبز و سیاه است که در رنگ‌آمیزی‌های معابد میتراپی در سراسر امپراطوری رم و بخصوص در رم وجود داشت. بسیاری از این مهرکده‌ها هنوز برجاست و در سردابه کلیساها آثار آن به چشم می‌خورد. رنگ سرخ و لاجوردی که بر شنل ایزدمهر وجود داشت، بر لباس حضرت مریم و عیسی ظاهر می‌شود. آسمان آبی پرستاره با نقش خورشید که بر سقف مهراب معابد بود به دیوار و سقف مهراب کلیسا منتقل می‌شود؛ و نمونه‌های بی‌شماری از علائم و شواهد دیگر که هنر بیزانس را با هنر و فرهنگ پیشین مرتبط می‌سازد. این دگرگویی نه تنها در مسیحیت بلکه در هنر و

هنر دینی از آن نشأت گرفته می‌توان دریافت. در انجیل یوحنا باب اول آمده است: در ابتدا کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و همه چیز به واسطه او آفریده شد و به غیر از او چیزی از موجودات وجود نیافت. در او حیات بود و حیات نور انسان بود و نور در تاریکی می‌درخشد و تاریکی آن را دریافت (آیات ۶-۱). در باب هشتم، آیات ۱۲ و ۱۳ عیسی مسیح (ع) فرمود: من نور عالم هستم کسی که مرا متابعت کند در ظلمت سالک نشود بلکه نور حیات را یابد. مادامی که در جهان هستم نور جهانم (باب نهم آیه ۵). امر الهی در عیسی مسیح (ع) متجسد شده است آن چنان که در انجیل مقدس آمده است: کلمه جسم گردید و میان ما ساکن شد. پر از فیض و راستی و جلال او را دیدیم جلالی شایسته پسر یگانه پدر. (انجیل یوحنا، باب اول، آیه ۱۴) کتاب مقدس، راهنمای هنر مسیحی است. پلوتین (Plotinus) معتقد بود که چون روح نور است، از سایه و تیرگی در نقاشی باید اجتناب شود. تلقی او از نقاشی، تأثیر زیادی بر نقاشان اولیه قرون وسطی داشت. (کوکلمانس، ۱۳۸۲: ۲۲-۲۳)

در هنر مسیحی، نور، همواره بر ظلمت غلبه دارد هم چنان که در کتب مقدس ادیان باستانی آمده است. بر این اساس، سایه روشن در هنر مسیحی و نیز تصاویر شمایی کمتر مشاهده می‌شود. فضا و مکان تجسم یافته در آثار هنری این دوره غالباً، مملو از نور، قداست و نظم است و شمایل‌ها با وقار و آرامشی که نشأت گرفته از تجلی امر قدسی در هنر مسیحی است، ظاهر می‌شوند. هماهنگی و نظم و ریتم و توازن و تناسبات، مبتنی بر هندسه مقدس است که به جهان، نظم و وحدت بخشیده است. ساختار کلی هنر بیزانس در هاله‌ای از امر قدسی و معنوی استقرار یافته است.

آنچه به عنوان تفکر مسیحی و در پی آن هنر دوران مسیحیت در طول تاریخ مواجه هستیم، در واقع باور و آیین‌های پیش



تصویر ۲: غلبه نور در هنر مسیحی مأخذ: Heck, 2007: 94-98



تصویر ۳. طبیعت‌گرایی در موزاییک بیزانس و مینیاتور ایرانی با الهام از باورهای میتراپی
ب. مینیاتور ایرانی. مأخذ: مرزبان، ۱۳۸۷: ۱۳۷.



الف. مریم مقدس در میان فرشتگان، کلیسای سنت آپولینار
مأخذ: Bovini, 2006: 46.

به تجسم طبیعی و سه‌بعدی و واقع‌نمای اشیا و پیکره‌ها بخشید. غروب جهان معنویت، طلوع جهان مادی و عینی را در عالم هنر به دنبال داشت. شمایل‌های دوران پایانی بیزانس با پرداخت‌هایی واقع‌گرایانه آغازی بر دوران رنسانس را در عرصه هنر رقم زد. موزاییک‌های بیزانس که عالی‌ترین نمونه‌های آن در کلیساها و اماکن مذهبی در شهر راونا-ایتالیا وجود دارد شباهت‌های زیادی با مینیاتور ایرانی به جهت طبیعت‌گرایان دارد.

ارتباط امپراطوری ایران و رم در دوران اشکانی و ساسانی
هنر بیزانس با استفاده از مواد سخت، پایدار، مرغوب و درخشانده و در مواردی بهره‌گیری از طلا و نقره و سنگ‌های قیمتی، حتی در موقعیت‌های دشوار اقتصادی، کوشیده است تا استمرار و پایداری، قدرت، جاودانگی و شکوه و جلال و جمال و انوار

آیین‌های اسلامی نیز ریشه گسترده است (جوادی، ۱۳۹۳). هنر عصر بیزانس هنری است که تجلی‌گاه جهان مسیحیت است. هنرمندان این دوره غالباً خادمان کلیسا، یا راهبان صومعه نشین مسیحی با ایمان و معتقد بودند. آثار هنری این دوران هم از لحاظ صورت و هم از جنبه‌های محتوایی و اعتقادی و تاریخی، در پهنه‌ای گسترده و فراگیر با تأثیر و تأثرات متقابل هنر بیزانس و هنر تمدن‌های مصر، سوریه، ترکیه، اسپانیا، ایتالیا، از یک سو و ارمنستان و گرجستان و قفقاز و بخش‌هایی از اروپای شرقی و روسیه امروز از سوی دیگر، مورد بررسی قرار گرفته است. خط سیر گسترده هنر بیزانس که از رم تا ارمنستان در شمال دریای مدیترانه و کرانه‌های آن مشاهده می‌شود، مبین آن است که این هنر، به طرز حیرت‌انگیز جهان شرق و غرب را در نور دیده است. سیسیل و ونیز، صربستان و جهان اسلام

و تمدن مقدونیه نیز در پرتو تجلیات این هنر قرار گرفته‌اند. تأثیرات تجسمی این هنر، در هنر دوران اسلامی، خصوصاً آثار نقاشی دیده می‌شود. هنر بیزانس نیز در سیر تکاملی‌اش، عناصری از هنر دوران اسلامی را در خود پرورانده است. ریشه‌های طبیعت‌گرایی که در هنرهای شرق مثل ایران و خاورمیانه و سواحل مدیترانه وجود داشته و مبتنی بر باورها و اعتقادات آنان بوده، در هنر بیزانسی دیده می‌شود. موزاییک‌های بیزانس نمونه‌های بارزی از تأثیرپذیری طبیعت شرق است که از طرح درختان نخل و از سویی گل و بوته و گیاهان و سبزه زار مینیاتور ایرانی الهام یافته است (تصویر ۳: الف و ب).

گرایش‌های نمادین و تمثیلی تصاویر در هنر بیزانس به مرور از نمایش جنبه‌های مادی تجسم اشیا فاصله گرفت و به سوی بیانی تجربیدی متمایل شد. این گرایش تجربیدی با آغاز شدن طلوع‌های دوران رنسانس، به مرور جای خود را

فراگیر الهی را که همه موجودات را در بر گرفته است، به نمایش بگذارد. مسیح در هیئت فرمانروایی مطلق جهان، میداء، منشاء و غایت این هنر است. نمونه‌های نقاشی و تزیینات این دوران با هنرهای تزیینی دوران اسلامی ایران بسیار نزدیک است. هنرهایی چون مینیاتور و تذهیب که بعضاً توسط نظریه پردازان اروپایی نیز به این نکته اشاراتی شده است.

تاکید بر عنصر خط در نمایش اشکال، از شاخصه‌های اصلی هنر بیزانس است. هاله مقدس و تجسم نور در این هنر، برگرفته از کتاب مقدس است. آنجا که مسیح فرمود: «من نور جهان هستم.» نوری فراگیر که همه اشیا را در بر گرفته است.

پیش از دوران مسیحی هاله نور در هنر اشکانی و ساسانی وجود داشته که مربوط به ایزدمهر (میترا) خدای خورشید آریایی است. مهر همواره با هاله‌ای از نور یا شعاع‌های نور برگرد سرش در نقش برجسته و سکه‌ها ظاهر شده است. تصویر میترا در معابد اروپایی در نقش برجسته‌های تاق بستان در ایران دیده می‌شود. طی ارتباطات ایران و رم مهر به امپراطوری رم رفته و تمامی تفکر و نمادها و هنر میترای با مسیحیت آمیخته است. با روشن تر شدن صحنه‌ها و تعدد و کثرت اشخاص (پرسوناژها

personages) در ترکیب بندی‌ها، آثار هنری در مجموع، بیانی جذاب تر یافتند. این گرایش را می‌توان در سده دوازدهم میلادی در آثار هنری مشاهده کرد. نمایش خصوصیات شخصی و منفرد و پرداخت‌های واقع‌گرایانه و نورپردازی‌های موضعی نشانه‌های تمایلات انسان‌گرایانه هنرمندان این دوره است. هنر بیزانس سرمشقی بود برای نقاشان دوران بعد، همچون جوتو (Giotto) دوچو (Duccio)، جووانی (Giovanni) پی‌یر و دلافرانچسکا (della Francesca Piero) ال‌گرو (Elgerco).

هنر بیزانس مدخلی برای شناخت هنر غرب است زیرا هنر غرب با تداوم ستن بیزانسی بود که امکان یافت تا ستن نوین هنری را رقم بزند. آن چنان که هنر گوتی، وام‌دار هنر بیزانس است و هنرمندان رنسانس آغازین، بسیاری از شگردهای بیانی و تجربیات هنری هنرمندان بیزانس را سرمشق کار خویش قرار دادند. بدون شناخت هنر بیزانس، تحلیل و بررسی سیر تحول مکاتب و سبک‌ها و گرایش‌های هنری دوران بعد مسیر نیست. به عنوان نمونه مسیح زرد اثر گوگن را می‌توان به عنوان نمونه‌ای که ریشه در گرایش‌های نقاشی دوران بیزانس با بیانی نوین دارد، معرفی کرد.

نتیجه‌گیری

هنر بیزانس حلقه اتصال میان دوران کلاسیک باستان و دوران باشکوه رنسانس محسوب می‌شود و جایگاه ویژه‌ای در سیر تطورات ستن هنری دارد.

هنر بیزانس گرچه هنری مذهبی-روحانی است ولی بهره‌گیری از الگوهای پیشین که قرن‌ها در سراسر امپراطوری بیزانس رایج بوده در نقاشی، مجسمه، معماری و موزاییک‌سازی آن آشکار است. زیبایی‌شناسی هنر بیزانس ترکیبی از نمایش جلال و جمال الهی در صورت مسیح (ع) و از طرفی تاریخ مسیحیت و بیان رنج‌ها و مصائب وارده بر پیامبر است که در قالبی ترکیبی از فرهنگ و هنر پیشین و جلوه‌هایی از نور و تقدس به شکل نمادین به نمایش درآمده است.

فهم و تفسیر آثار هنری بدون پژوهش در مورد عالمی که آثار هنری در آن پدید آمده و به آن تعلق دارند، میسر نیست. هر اثر هنری با استقرار در عالم خود است که مرزهای هنر را توسعه می‌دهد. کل آثار هنری که متعلق به فرهنگ‌ها و تمدن‌های متنوع است، جهان هنر را تشکیل می‌دهند. ظهور هر پیامبری تحقق عالمی معنوی را بشارت داده است. در هنر بیزانس، عالم مسیحیت متجلی شده است و مسیح (ع) و کتاب مقدس، محور و مرکز این عالم‌اند. امر مقدس در شمایل مسیح و زندگی او متجلی است و کتاب مقدس راهنمای فهم و تفسیر زندگی مسیح و هنر مسیحی است. اصول زیباشناسی هنر بیزانس بر اساس تابناکی و جلال روحانی ملکوت خدا شکل گرفته است.

پی نوشت

۱. این مقاله با عنوان بنیان‌هایی برای شناخت و تفسیر هنر بیزانس (اصول و مبانی) در صفحات ۷۲-۸۳ شماره ۴ مجله باغ نظر، سال ۱۳۸۴ چاپ شده است. مقاله حاضر پس از بازنگری توسط شهره جوادی و برخی تغییرات، با عنوان معرفی و تحلیل هنر بیزانس به ذکر موارد جدید پرداخته است، بخش‌های اضافه شده در متن با فونت ایرانیک از متن اصلی متمایز شده است.

۲. غلبه نور بر ظلمت در تفکر و باور ایران باستان وجود داشته است. چنان‌که ایزدمهر (میترا)، مظهر نور و فروغ خورشید بوده و در دوران زرتشت نیز نبرد نور و ظلمت و پیروزی نور اهورایی بر تاریکی اهریمنی غلبه داشته است. این باور در دوران اسلامی نیز تعبیر به ذات نورانی احدیت شده و حکمت اشراق سهروردی از همین تفکر سرچشمه یافته است.

فهرست منابع

- جوادی، شهره. (۱۳۹۳). تداوم نشانه‌ها و بقایای معماری مهری قفقاز در کلیساهای ارمنستان و گرجستان، فصلنامه علمی پژوهشی باغ نظر ۳۳-۳۴: (۳۱)۱۱
- کورکیان، ا. م. و سیکر، ژ. پ (۱۳۸۷). باغ‌های خیال. ترجمه: پرویز مرزبان. تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز
- Bovini, G. (2006). *Ravenne art et history*, Verona, Italy : longo
- Heck, M. C. (2007). *Le livre d'or ALSACE*, florance, Italy : Bonechi